

به گزارش روابط عمومی دفتر امام جمعه لاریجان:

برگزاری خطبه نماز جمعه در شهر رینه. ۲۶ مرداد ماه سال ۱۴۰۳

خطبه اول:

بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين أحمدّه و أشكره و
أستعينه و أستغفره و أتوكل عليه و أصلي و أسلم على حبيبه و نجيبه و
خيرته في خلقه حافظ سرّه و مبلّغ رسالاته بشير رحمته و نذير نقمته
سَيِّدنا و نَبِيِّنا و حبيب قلوبنا أبا القاسم المصطفى محمّد و على آله
الأطيبين الأطهرين و صحبه المنتجبين و من تبعهم باحسان الى يوم
الدّين.

قَالَ الله العظيم في كتابه الكريم:

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ. « شعراء/ ۸۹-۸۸

ترجمه: " روزی که هیچ مال و اولادی سود نمیدهد مگر کسی که

دلی سالم از رذایل و خبایث به پیشگاه خدا بیاورد."

"أَوْصِيكُمْ عِبَادَ اللَّهِ وَنَفْسِي بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهَا خَيْرُ مَا تَوَصَّى الْعِبَادُ بِهِ وَ

خَيْرُ عَوَاقِبِ الْأُمُورِ عِنْدَ اللَّهِ" خودم و همه شما بندگان خدا را به رعایت

تقوای الهی و نظم در امور سفارش میکنم که سفارشی والاتر از این

مهم در عالم هستی وجود ندارد یا ایها الذین آمنوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ

فُرْقَانًا قرآن یادآور میشود که اگر تقوا داشته باشیم برای ما وسیله ای

برای جدائی حق از باطل قرار میدهد و روشن بینی خاصی که در پرتو

آن حق را از باطل بشناسیم قرار میدهد پس بندگان خدا إِتَّقُوا اللَّهَ! انسان

باید قلبش با ایمان بخدا و روز قیامت معنا بشود اگر جز این باشد
پروردگار قلب را دچار بیماری سنگینی میداند. کلمه «مرض» که در
قرآن به قلب نسبت داده شده وقتی الف و لام نداشته باشد اشاره به
بیماریهای مختلف دارد. یک آیه خیلی مهمی از قلب در قرآن است که
درباره بازار قیامت صحبت میکند. «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ»
شعراء/۸۸ قیامت ثروت سودی بحال شما نمیدهد چون ثروتمندان از
مالکیت شما درآمد. «وَلَا بَنُونَ» فرزندان هم سودی به شما نمیدهند
آنها هم اگر سودی دارند برای خودشان است. «لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ لَكُمْ مَا
كَسَبْتُمْ» بقره/۱۳۴ سود و ضرر شما برای شماست و سود و ضرر
دیگران هم برای خودشان است. پس تا زمانی که در دنیا هستید خیالتان

را از ثروتی که از شما باقی میماند راحت کنید بدرد شما نمیخورد
 بچه هایتان هم اگر پرونده خوبی دارند برای خودشان است. آیه شریفه
 درباره قلب میگوید: «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَ لَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ
 سَلِيمٍ» شعر ۸۸-۸۹/۱ مُهم آیه این است که میگوید «مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ
 سَلِيمٍ» خودت قلب سلیم به پیشگاه خدا بیاور کسی دیگر که نمیتواند به
 جای تو قلب سلیم بیاورد. قلب سلیم قلبی است که خدا، قیامت، نبوت و
 امامت و قرآن را باور دارد و کنار این باورها زبانه های مثل حسد،
 کبر، ریا، بخل، حرص، بدبینی نریخته که این باور را بپوشاند. خیلی
 زیباست که خدا مهربانی و مهرورزش را با «رحمان» و «رحیم»
 تکرار کرده اینقدر مهم است که میگوید «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» یک

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» گفت و دوباره گفت «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» بعد
میگوید «مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ». برای این است که بشما بفهمانم از این «مَالِكِ
يَوْمَ الدِّينِ» نترسید این مالک همان «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» است که دو بار
به مشاعرت انتقال دادم. برای اینکه تو مسافر بسوی «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ» و «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» هستی همین اول کار بفهم سر و کارت با
کیست! در اشعار گذشتگان میگفتند: با کریمان کارها دشوار نیست! اگر
کاری داری پیش کریم بَر چون کریم خودش را لحاظ نمیکند. یک
دشمن جنگجوی مشهوری بود بنام عبیدالله بن حر جُعی زیر سایه
امیرالمؤمنین (ع) در کوفه زندگی میکرد وقتی شنید معاویه برای جنگ
با ولی الله الأعظم به صفین آمده رفت در لشکر معاویه و خیلی هم

تحويلش گرفتند. جنگ با أمير المؤمنين (ع) سه ماه طول كشيد جنگ كه تمام شد گفت: من ديگر نمیتوانم به كوفه ای كه محل حكومت أمير المؤمنين (ع) است برگردم معاويه گفت: بيا شام من خانه و باغ و صندلی بتو میدهم. این شخص چند ماه كه شام بود هیچ خبری از زنده بودنش به خانمش كه زن جوان و قیافه آراسته ای داشت در كوفه نداد زن آمد پیش قاضی و گفت: هیچ خبری از شوهرم نیامده یقین دارم كشته شده است. قاضی گفت: شرایط لازم شرعی را رعایت كن و اگر دلت خواست برو شوهر كن. يك تاجر كوفی با او ازدواج كرد و خبر ازدواجش به شام رسید. عبیدالله خیلی به زنش علاقمند بود به معاويه گفت: من ديگر طاقت ندارم میخوام بروم كوفه زنده بودنم را اعلام

کنم و به این مردی که زن مرا گرفته بگویم زنم را طلاق بده و به خانه
خودم برگردد. معاویه گفت: دست علی بیفتی تکه بزرگت گوشت است!
عبیدالله خیلی آدم شجاعی بود گفت: معاویه! تو علی را نمیشناسی من
دردم را میخواهم به علی بگویم. کریم جز گرم کردن هیچ چیز دیگری
حتی خودش را لحاظ نمیکند نمیگوید چون بیست سال معصیت مرا
کرده بگذار گنااهش را چنان تلافی کنم که همه چیز جلوی چشمش بیاد!
ای کاش همه ما برای زن و بچه، اقوام، پدر و مادر و مردم کریم
میشدیم و در برخوردهایی که با ما داشتند چیزی را لحاظ نمیکردیم
تَخَلَّقُوا بِأَخْلَاقِ اللَّهِ! خود را به اخلاق الهی آراسته نمایید. عبیدالله به
کوفه آمد محل دآوری امیرالمؤمنین(ع) در کاخ و باغ و روی مسند و

پشت میز خاتم کاری و گرانترین صندلی دست ساز نبود بلکه روی
یک گلیم پاره یا روی یک حصیر در مسجد کوفه بود. مسجد شلوغ بود
وقت نماز هم نبود همه کارهایشان انجام گرفت و رفتند.
أمیر المؤمنین (ع) یک نگاهی کرد فرمود: عبیدالله بیا جلو بعد خیلی با
محبت فرمود: به چه علت سه ماه به روی من شمشیر کشیدی؟ گفت:
علی جان! من برای محاکمه شدن نیامدم من درد دارم. فرمود: محاکمه
را گذشتم دردت را بگو این گرم و اخلاق خداست. لذا عزیزان تا
نمردیم موانع را که معنی حیوانیت دارد باید برطرف کنیم اُنوار ایمان
و اخلاق همه معنی انسانیت دارد. پادشاهی یک شهر خیلی زیبایی را
بنا کرد که همه چیزش تمام بود به یک نفر گفت: کنار دروازه بایست

من می‌خواهم با یک ناهار دادن به مردم محل افکار و آرائشان را نسبت به این شهر بفهمم. آخرین مرحله دو نفر آمدند چشمشان که به شهر افتاد چیزی هم نخوردند باز پرس به این دو تا گفت: نظرتان راجع به این شهر چیست؟ گفتند: ما دو تا نظر داریم یکی اینکه عاقبت خراب بشود دیگر اینکه صاحبش میمیرد. این دو نفر را بُردند پیش سلطان و گفتند: اعلیحضرت اینها میگویند این شهر آخرش خراب میشود و صاحبش هم میمیرد. شاه گفت: کدام شهر و دیار خراب نمیشود؟ گفتند: قیامت اصلاً خرابی ندارد «جَنَّا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا» صاحب قیامت هم که خداست نمی‌میرد. پادشاه گفت: اصلاً خدا شما را فرستاده من را بیدار کنید. حکومت را واگذار کرد و گفت: من را با خودتان

ببرید. گفتند: ما در آمد چندانی نداریم لباس و کفش ما را ببین ما به اندازه ای که زنده بمانیم درآمد داریم. گفت: من هم همان شغل شما را پیش میگیرم. وقتی یک دلی را خدا بخواهد زنده کند اینطور زنده میکند. خدا خوان با خدا دان فرق دارد/ که حیوان تا به انسان فرق دارد. موحد را به مشرک نسبتی نیست/ که واجب تا به امکان فرق دارد. محقق را مُقَلِّد کی توان گفت/ که دانا تا به نادان فرق دارد. مخوان آلوده دامن هر کسی را/ که دامن تا به دامن فرق دارد. من و اُبروی یار و شیخ و محراب/ مسلمان تا مسلمان فرق دارد. (فروغی بسطامی) دو جور زنبور است اسم یکی زنبور گاوی زرد بزرگ و هیچ ارتباطی با خانواده آن زنبور دوم ندارد یک زنبور هم معروف به

زنبورِ عسل هست. این دو تا زنبورها هر دو روی گیاه می نشینند ولی
آن زنبور گاوی گیاه به این تمیزی را تبدیل به نیش میکند آنهم همانها
را میخورد ولی تبدیل به نوش میکند خیلی فرق است. یک عده ای در
همین دنیا از همهٔ این نعمتها استفاده کردند فرعون شدند یکی هم از
همان نعمتها استفاده کرد کلیم الله شد هر دو در همین خرابه بودند و از
همین رویدنیهای زمین میخوردند! حالا ارزیابی شود که ما از کدام
دسته هستیم؟ (ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی/ نَروم جز به
همان ره که توأم راهنمایی/ همه درگاه تو پویم همه از فضل تو جویم/
همه توحید تو گویم که به توحید سزایی/ نتوان وصف تو گفتن که تو در
فهم نگنجی/ نتوان شعر تو جستن که تو در وهم نیایی/ بَری از رنج و

گذازی بَری از درد و نیازی/ بَری از بیم و امیدی بَری از چون و
چرایی/ تو حکیمی تو علیمی تو رحیمی تو کریمی/ تو نماینده فضلی تو
سزاوار ثنایی/ همه عَزّی و جلالی همه علمی و یقینی/ همه نوری و
سُرُوری همه جودی و سخایی)

خطبه دوم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. الحمد لله رب العالمين و العاقبة لاهل التقوى و
اليقين و الصلوة و السلام على أشرف الأنبياء والمرسلين حبيب إله
العالمين أبى القاسم محمد، صلى الله عليه و آله و سلم و على آله الأطيبين
الأطهرين المنتجبين. اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَصِيِّ
رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ آيَتِكَ الْكُبْرَى وَ النَّبَاءِ الْعَظِيمِ وَ صَلِّ عَلَى الصَّدِيقِ

الطَّاهِرَهِ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ صَلِّ عَلَى سِبْطِي الرَّحْمَةِ وَ إِمَامِي
الْهُدَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيَّ بَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ صَلِّ عَلَى أَيْمَةِ الْمُسْلِمِينَ
عَلَى بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ
عَلَى بْنِ مُوسَى وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ
الْخَلْفِ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ حُجَجِكَ عَلَى عِبَادِكَ وَ أَمَنَّا بِكَ فِي بِلَادِكَ.

دعاى فرج..

اللَّهُمَّ افْتَحْ لَهُ فَتْحاً يَسِيراً وَ انصُرْهُ نَصْراً عَزِيزاً. اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَ
سُنَّةَ رَسُولِكَ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةً أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ..

اوصيكم يا عباد الله وَ نَفْسِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَ أَخَوَفْكُمْ مِنْ عِقَابِهِ.

با درود و سلام بی پایان به روح مُطهرِ سرور و سالارِ شهیدان حضرت
أبا عبدالله الحسین (ع) و نیز معمارِ کبیرِ انقلابِ اسلامی ایران و دو
فرزندِ گرانقدرش جمیع مؤمنین و مؤمنات، علما، صلحا، شهدای
انقلاب، شهیدانِ ۸ سال دفاع مقدس، شهدای گمنام، شهدای مدافع حرم و
وطن و سلامت، ۴۱۷ شهیدِ خونینِ بال‌بخشِ لاریجان و با آرزوی
طول عمر با عزت همراه با صحت و سلامتی برای مقام معظم رهبری
در این خطبه دوم خودم و همه شما عزیزان را توصیه می‌کنم به تقوای
إلهی و دوری از محرمات.

نکات این هفته نماز جمعه ۲۶ مرداد ماه سال ۱۴۰۳ را بمحضر شما
نمازگزاران عزیز جمعه لاریجان عرضه می‌دارم. قبل از بیان نکات

ابتدا لازم میدانم مطلبی که در هفته گذشته بیان کرده ام را اصلاح کنم.

انتقاد من به برگزاری یادواره های شهدا در روز جمعه یا همزمانی چند یادواره در یک روز و ساعت خاص بود که باعث محرومیت ما در این جلسات میشد. اما در این بین فردی در یکی از مناطق برگزار کننده یادواره شهدای لاریجان همزمانی نماز جمعه با یادواره شهدا را إخلال به یادواره شهدا میدانست و جسارتهایی از او صادر شد که باعث ناراحتی بنده و مومنین شد و من چون صحبتتم در رد نظر او بود بدون تفکیک سایر مناطق لاریجان بطور کلی مطالبی گفته شد که باعث رنجش بعضی از ستادهای برگزار کننده یادواره شهدا که از نمازگزاران دائمی ما از روستاهای آب اسک و نیاک بود شد که من

صمیمانه از این عزیزان عذرخواهی میکنم بدون شما بزرگواران که
حقیر خاک پای شما مؤمنین نمازگزار هستم بنده عددی بحساب نمیام
گرمی این محافلِ انقلابی بخاطر حضور شماست که اگر نباشد ارزشی
ندارد ولی مطلب همان بود که گفته شد.

نکته اول:

۲۶ مرداد آغاز بازگشت آزادگان سرافراز و مقاوم به میهن اسلامی در
سال (۱۳۶۹ش) را داریم که روز بزرگ را به همه آزادگان میهن
اسلامی تبریک عرض می نمایم. آزادگان ما با صراحت و شجاعت در
برابر زورگویان و گردنکشان ایستادند و از مظلومان و مستضعفان

دفاع کرده است. این جوانمردی و مروت انقلابی این صداقت و

صراحت و اقتدارِ آزادگان مایه سر بلندی ایران و ایرانی است.

نکته دوم:

وظیفه مجلس در رأی اعتماد به اعضای دولت چهاردهم ضمن مواجهه

مثبت و تعامل حد اکثری، مطالبات رهبر حکیم انقلاب را مبنی بر

«آمین» و «صادق» و «متدین» بودن «ایمان» و «امید به آینده» و از

بُن دندان «معتقد به جمهوری و نظام اسلامی» را در خود داشته باشد

متشرع بودن و اشتهار به پاکدستی و صداقت و نگاه ملی به کشور و

نداشتن سابقه سوء از معیارهای مهم کابینه و زرای پیشنهادی است.

موفقیت دولت چهاردهم در سایه اجرایی کردن فرمایشات مقام معظم

رهبری در مراسم تنفیذ است که نقشه راه و شروط موفقیت دولت را در هفت بند بیان فرمودند که این توصیه ها میتواند چراغ راه مسئولان و کارگزاران و ملت باشد.

نکته سوم:

ترس از انتقام ایران روانِ رژیم غاصبِ اسرائیل را برهم زده است و مستکبران دنیا مثل انگلیس و فرانسه از ایران میخواهند این رژیم را تنبیه نکنیم! باید عرض کنم مجازات سخت رژیم صهیونیستی به خاطر ترور مهمان عزیزمان شهید اسماعیل هنیه یک مطالبه ملی است. شهید اسماعیل هنیه برای ما مهمان بود و برای شرکت در برنامه رسمی به ایران آمده بود و با قواعد انسانی جور در نمی آید که مهمان را بدون

علت شهید کنند. پاسخ سخت و قاطعانه ایران به ترور شهید هنیه موجب تقویت وحدت ملی و امنیت ملی و خارجی خواهد شد. بنابراین اصل انتقام مبنای قرآنی و فقهی دارد و این انتقام قطعاً انجام خواهد شد. اما آنچه مهم است کیفیت با تدبیر، هوشمندانه، مبتکرانه و غافلگیرانه این حماسه است.

نکته چهارم:

۲۵۰۰ عملیات نظامی حزب الله قهرمان علیه رژیم جعلی نشان میدهد نقش حزب الله در زمین گیر کردن ماشین جنگی دشمن، نقشی بی بدیل و انکار ناپذیر است که باید درباره آن ساعتها نوشت.

نکته پنجم:

المپیک پاریس درخشش ورزشکاران ایران را خدمت همه ورزشکاران
غیرتمند و مخصوصاً جوانانِ آملی و همه مردم بزرگوار تبریک
عرض مینمایم. پیام تقدیر و سپاس ما همان پیام رهبر عزیزمان است
که: از ورزشکاران عزیز و خوش روحیه و با اراده و از رؤسای
فدراسیونها و مربیان و از کمیته ملی المپیک که در مسابقات اخیر مایه
شادی و سربلندی کشور را در صحنه ورزش فراهم آوردند صمیمانه
سپاسگزارم. موفق باشید انشاءالله.

نکته ششم:

۳۱ مرداد روز جهانی مسجد نامگذاری شده است. مسجد محل اتصال
مکتب روح الله به مکتب رسول الله است. رسول خدا(ص) میفرماید:

مَنْ كَانَتْ الْمَسَاجِدُ بَيْتَهُ ضَمِنَ اللَّهُ لَهُ بِالرُّوحِ وَالرَّاحَةِ وَالْجَوَارِ عَلَى
الصَّرَاطِ. مَا مِنْ يَوْمٍ إِلَّا وَ مَلَكٌ يَنَادِي فِي الْمَقَابِرِ مَنْ تَغْبِطُونَ فَيَقُولُونَ
أَهْلَ الْمَسَاجِدِ. (مستدرک، ج ۳، ص ۳۶۲-۳۶۳) کسیکه مسجد خانه او
باشد (مرتب به مسجد تردد کند) خداوند آسایش و کامیابی و عبور از
صراط را برایش ضمانت کرده است. روزی بر اهل قبور نمیگذرد
مگر ملکی آنها را ندا میکند: شما بحال چه کسی غبطه میخورید و او
را آرزو میکنید؟ میگویند: غبطه و آرزوی ما مسجدیان هستند» ۱۴۰۰
سال بعد امام روح الله خمینی که خود پرورش یافته مکتب رسول الله
بود مبتنی بر محوریت مسجد انقلاب و مسجد را فعال تر و آنها را
سنگر اعلام و نیروهایش را به مساجد فرا خوان کرد. حالا سربازان

حضرت روح الله در مساجد خود صاحب مکتب شده اند و رهبر معظم انقلاب نیز فرمودند: "فتح الفتوح انقلاب اسلامی تربیت این جوانهاست" مهمترین محل و مأوای تحقق این تربیت مسجد است.

در پایان:

آیام ماه صفر و إسارت آل الله باید عرض کنم: به همان اندازه که افراد پیر و مُسن در کربلا نقش داشتند کودکان و زنها نیز به همان اندازه نقش ایفا کردند مثل حضرت علی أصغر و حضرت رقیه. در کربلا هیچ زن شهید نداشتیم فقط یک دختر بچه از حضرت مسلم بنام آتکه که وقتی لشکر به خیمه هجوم آوردند زیر دست و پای اسب له شد. میدانیم

که مجموع فرزندان عقیل در کربلا که به شهادت رسیدند ۹ نفر بودند.

حالا نقش کودکان:

۱- حضرت علی اصغر (ع): در یونان قدیم خصوصاً مسیحیت رسم بود مشاورانی به دربارها میرفتند از جمله چند مشاور به دربار یزید آمدند رسم بود اگر مسئولی به جایی میرفت یکی را به عنوان ضد اطلاعات و امنیت برایش میفرستادند وقتی عبیدالله بن زیاد رفت پسر سعد به عنوان ضد امنیت و چک کردن او و همچنین شمر بعنوان ضد امنیت برای عمر سعد فرستاده شد. وقتی امام (ع) علی اصغر را زیر عبایش نگه داشت و به میدان آورد دشمن فکر کرد که امام قرآن آورده تا آنها را قسم دهد ناگاه علی اصغر را امام با دستان مبارکش بلند کرد

و فرمود: اگر به زعمتان ما گناهکاریم این بچه تقصیر ندارد و لوله ای در لشکر عمر سعد بپاشد مقداری اعتراض کردند پسر سعد دید ممکن است تاثیری داشته باشد به حرمه ملعون دستور پرتاب تیر داد وقتی تا ظهر کار امام و یارانش تمام شد هم عبیدالله و هم شمر و هم عمر سعد نامه ای به یزید نوشتند غافل از اینکه از طرف یزید دو نفر جاسوس در ظهر عاشورا حضور داشتند این دو نفر وقتی پیش یزید رسیدند یزید نامه آن سه نفر را خوانده بود که گفته بودند کار حسین تمام شد زن و بچه اش اسیر شدند این دو نفر گفتند: خیر تو پیروز نشدی یزید گفت چرا؟ گفتند تا زمانی که حسین آن کودک علی اصغر را نیاورده بود تو به ظاهر پیروز بودی ولی وقتی حسین گفت به او آب دهید آن

ولولہ لشکر و کشته شدن کودک، تو دیگر پیروز میدان نیستی.

همینگونه حضرت رقیه پیام حسین (ع) را با مظلومیت خود رساند

مظلومیت این کودکان از جنگ هزاران نفر سرباز مهمتر بود از جمله

وقتی بعضی مسلمانانی که به این اسیران بد و بیراه میگفتند این کودکان

گفتند ما مسلمانیم مردم میگفتند: براستی شما مسلمانید؟ از کجایید؟ گفتند

از مدینه پیامبر و فرزندان او هستیم. یا فاطمه بنتُ الحسین که چهار

ساله بود بعد از واقعه عاشورا ۷۰ سال عمر کرد و پیام کربلا را تا ۷۰

سال در خاطره ها زنده میکرد! میگویند وقتی مردی خواست گوشواره

از گوش همین فاطمه در بیاورد فاطمه گریه میکرد آن مرد هم گریه

میکرد فاطمه بنت حسین گفت من گوشم درد می آید تو گریه میکنی؟!

گفت دلم برای شما میسوزد گفت پس گوشواره از گوشم بر ندار گفت:

أگر من نگیرم دیگران به قصد قربت میگیرند! رساندن این ظلمها به

گوش مردم بعنوان شاهد زنده سالها ادامه داشت. در ظهر عاشورا بین

۷ تا ۱۰ نفر کودک شهید شدند که به سن بلوغ هم نرسیده بودند. مطلب

دیگری که باید عرض کنم اینست: أشعث بن قیس سه فرزند داشت دو

پسر و یک دختر یک پسرش در کودکی از دنیا رفت و با نامه ای که

در نهج البلاغه موجود هست علی علیه السلام به أشعث تسلیت گفت.

یک دختر به امام مجتبی علیه السلام زهر چشاند و یک پسر به نام

محمد در شهادت حضرت مسلم و در عاشورا نقش داشت. عرب

معمولا به کسی که موی ژولیده داشته باشد أشعث لقب میدهد و اگر

چشم کسی علامت داشته باشد به او اُشتر میگویند مثل مالک اُشتر.

قبیله کندی به فرماندهی پسر اُشعث ۱۳ سر و قبیله هوازن به فرماندهی

شمر ۱۹ سر و خولی بن یزید اُصبحی سر امام حسین علیه السلام را

بُرد.